

قطعهنامه کنفرانس علمی زیر عنوان " نظام غیر متمرکز و صلح عادلانه و پایدار "

هرچندی که تداوم بی وقفه جنگ و کشتار با کاربرد های مستمر استعماری و استثماری واژه های صلح، عدالت، حقوق بشر، دموکراسی، قانونمداری، دفاع از حقوق زنان، دفاع از حقوق اقلیت ها و غیره، از جانب زمامداران فاسد و قبيله پرست کابل و حامیان جهانی ایشان طی بیست سال پیهم، مفاهیم واقعی این کلمات را در اذهان توده ها از اعتبار ساقط و امید نجات زود رس از زندان بیعدالتی ها و اوهام را در زندگی ایشان بی رنگ نموده. ولی مردم مظلوم افغانستان بمثابه بزرگترین قربانی انسان و انسانیت در قرن های بیست و بیست و یک تاریخ بخود حق نمیدهند که از مبارزه در راه نجات خویش دست برداشته، تسلیم اراده های اهریمنی دشمنان داخلی و خارجی آزادی، عدالت، انسانسالاری، دموکراسی، همدیگر پذیری در سرزمین مقدس خویش بعنوان گهواره و گور تمام باشندگان مجموع همدیاران خویش شوند.

در چنین یک شرایط دشوار فدراسیون فدرالیست های افغانستان واحد، با ناجایز دانستن سکوت در قبال اوضاع جاری کشور، خویشتن را در همسویی با چندین نهاد هموند سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و شخصیت های مستقل روشن نگر از داخل و خارج افغانستان اعم از زنان فرهیخته، مردان خرد ورز و جوانان ایثار گر، بمثابه نمایندگان اکثریت خاموش کشور، یک کنفرانس وسیع را تحت عنوان (نظام غیر متمرکز، صلح عادلانه و پایدار) باهدف همسویی با تلاشهای فعال سازی روند مذاکرات صلح افغانستان که از جانب سازمان ملل متحد در همسویی دولت های: ایالات متحده آمریکا، روسیه، قطر، پاکستان، ایران و چین در بین نمایندگان طرف های درگیر جنگ افغانستان یعنی دولت جمهوری اسلامی افغانستان و تحریک طالبان جریان دارد، از مجرای نرم افزار زوم به تاریخ 30 می 2021 برگزار و تلاش به گرد آوری و تبارز نقطه نظرات عده ای از دانشمندان و صاحب نظران مطرح از داخل و خارج کشور در رابطه با مسأله جنگ، برقراری یک صلح عادلانه و پاسخگو به نیاز کشور کثیرالانتیکی افغانستان، در تشکیل یک دولت فراگیر متناسب به نیاز همزیستی همه اقوام و ملیتهای اینکشور در یک فضای قانونمند همزیستی عادلانه و دموکراتیک سرتاسری، بعنوان ممد مذاکرات صلح نمود.

در جریان کار این کنفرانس که مدیریت آن در مطابقت بیک برنامه دقیق از پیش تدوین شده توسط کمیته تدارک کنفرانس عیار گردیده بود، هر سخنور با استفاده از زمان اختصاصی بخود، در یک فضای آزاد و دموکراتیک داشته های فکری خویش را با مخاطبین شریک، از مجرای کالبد شکافی علل و عوامل اساسی جنگ و بحران ها در افغانستان راه حل های معینی را هم برای برون رفت از جنگ و بحران به بحث بگذارد.

توجه عمیق مجریان برنامه و اشتراک کنندگان این کنفرانس به تحلیل و ارزیابی همه جانبه عدم توجه حاکمیت های قبيله سالار به ملت سازی، دولت سازی، ایجاد جامعه مدنی، مناسبات شهروندی، رشد اقتصادی، حاکمیت قانون، غلبه بر فقر، مدرنیته، اصلاح سنت گرایی، حل مسأله ملی، رشد معارف، محو استبداد، استقلال اقتصادی، تمرکز زدایی و غیره طی سده های متوالی، با عدم توجه جدی جامعه جهانی به سردمداری ایالات متحده آمریکا و ناتو در بیست سال پسین، در جهت کمک رسانی به ایجاد یک نظام سیاسی پاسخگو به نیاز های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، انسانی و انتیکی همه باشندگان افغانستان را صادقانه میتوان ارزشمند ترین بخش کار این کنفرانس بحساب آورد.

درین کنفرانس روی نقش حاکمیت های مطلقه قبایلی پسا طالبان از 2001 الی 2021، در وجود تکنوکرات های امریکایی افغان تبار بحیث نمایندگان تام الاختیار دولت امریکا و غرب، که در زیر چتر حمایت های بی دریغ سیاسی، اقتصادی، نظامی، استخباراتی امریکا و ناتو عمیق ترین آرزوهای عدالتخواهانه و انسانی مردم شرافتمند، ترقی پسند و آزادی دوست افغانستان را به بیراهه کشیده، زمینه را برای اعاده حاکمیت فاشیستی مذهبی طالبان فراهم ساختند بحث های عمیق صورت گرفت.

همچنان هر یکی از تحلیل گران کنفرانس با بیانات علمی و ژرف ماهیت کنفرانس ها و نشست های بزرگ بین المللی را طی بیست سال اخیر با نتایج معکوس امروزی آنها در رابطه با سرنوشت مردم افغانستان به بر رسی گرفته، نتایج پیمان صلح امریکا با طالبان را نقادانه بررسی و مذاکرات صلح جاری نمایندگان دولت و طالبان را در آستانه خروج نیروهای بین المللی، که با پا در میانی ملل متحد، اتحادیه اروپا، ایالات متحده امریکا، چین، روسیه، ترکیه، امارات متحده عرب، عربستان



سعودی، اوزبیکستان، تاجیکستان، پاکستان، قطر، ایران، هند و دیگر کشور های نیدخل بگونه کجدار و مریز در جریان میباشد، بگونه مشروط امیدوار کننده ارزیابی نمودند.

اشتراک کنندگان این کنفرانس در جهت برای برقراری یک صلح عادلانه و فراگیر روی ختم نظام های سیاسی متمرکز و تمامیت طلب سنتی در فضای سیاسی کشور تأکید و بدیل نظام غیر متمرکز (فدرال پارلمانتاریستی) یا دموکراسی نمایندگی با تفکیک و استقلال قانونمند هر سه قوای (مقننه، اجرائیه و قضائیه) بررسی و طرح های مورد نظر خویش را درین رابطه بگونه مستدل پیشکش مخاطبین کنفرانس نمودند.

یکی از نگرانی های عمیق بر پا دارندگان این کنفرانس متوجه تلاشهای روبه رشد قومی و مذهبی ساختن جنگ های جاری از هر دو جانب دولت و طالبان در پیوند با منافع قبیله‌ای و دستور العمل های استخبارات منطقه، با منحصر شدن اجندای مذاکرات صلح به طرح های تمامیت طلبانه حاکمان قبیله‌ای کابل و امارتخواهان طالب و نادیده گرفته شدن خواست و نیاز اکثریت مطلق مردم کشور در رابطه با شکل گیری یک نظام غیر متمرکز فدرال پارلمانتاریستی با تفکیک و استقلال قانونمند قوای ثلاثه (اجرائیه، مقننه و قضائیه) در نبود نمایندگان واقعی و منتخب زنان، جوانان، نهاد های مدنی، جریانات سیاسی، نمایندگان منتخب اقوام و ملیت ها اعم از خورد و بزرگ در پروسه مذاکرات صلح بود، که امکان مصاب سازی کشور را بیک دورباطل بی عدالتی ها در یک فضای غیر انسانی سرکوبهای قومی و قبیله‌ای از جانب زمامداران قبیله سالار کشور متصور میسازد.

یکی از مسایل مهم و ارزشمند مورد بحث درین کنفرانس موضوع چگونه جابجا سازی طالبان در نظام آینده و بیرون آوردن ایشان از آرایش های نظامی بیک ساختار سیاسی بود.

کنفرانس دهندگان با مراجعه به واقعیت های عینی ماضی و حال افغانستان طالبان را بمثابه بخشی از جامعه کثیر المللی افغانستان تعریف و راه حل اختلافات ایشان را با اکثریت مطلق مردم افغانستان صرف در ایجاد یک نظام غیر متمرکز فدرال پارلمانتاریستی و تبدیل شدن طالبان بیک جریان سیاسی با عقب گذاشتن مرحله نظامی گری و استفاده افزاری از تفنگ ارزیابی نموده، جنگ های نیم قرن اخیر را ادامه جنگ های دوصد و پنجاه سال گذشته با هدف تداوم حاکمیت های قبیله‌ای بحساب آوردند.

درین کنفرانس فقر، جهل، نفاق، برتری جویی، تفوق طلبی و بی عدالتی ها بمثابه میراث شوم نظام قبیله سالاری تمامیت طلب بررسی و خصوصیات مشترک همه حاکمیت های قبیله‌ای از شاهی مطلقه، شاهی مشروطه، جمهوری خاندانی، دیکتاتوری تک حزبی خلق و پرچم، تنظیم های جهادی، امارت طالبان، کلپتوکراسی و یا دزد سالاری کرزی، احمد زی تعریف، و بارز ترین مشخصه همه حاکمیتها ی فوق الذکر دنباله روی و وابستگی به قدرت بزرگ منطقه و جهان پذیرفته شد.

با توجه به ارزیابی های فوق الذکر، باشندگان افغانستان کنونی در همه مراحل تاریخ معاصر این کشور از یک طرف در گنداب پدیده های شوم قبیله سالاری و تمرکز گرایی اسیر و از جانب دیگر بالوسيله حاکمیتها ی قبیله‌ای از وابستگی و اسارت کشور بزرگ رنج برده اند.

اساسی ترین مشخصات مشترک این نظام ها را استبداد، تفرقه اندازی، بیگانه پرستی، اسارت، کیش شخصیت، برتری جویی، گذشته پرستی تشکیل میدهد. عقب نگهداری جامعه در زندان فقر و جهالت یکی از جنایت های نابخشودنی گردانندگان این نظام های استبدادی بوده در این محرومیت تمام باشندگان کشور به شیوه های مختلف شریک استند.

به عقیده اشتراک کنندگان این کنفرانس یگانه راه رسیدن به صلح عادلانه و پایدار در کشور از بین بردن علت جنگ ها در وجود نظام قبیله محور، تمرکز گرا و فرد محور میباشد. یعنی نظام بعدی باید غیر متمرکز، مولتی اتیک، شهروند محور و دیموکراتیک باشد.

به خاطر رسیدن به چنین اهداف، نظام را به شکل عمودی و افقی باید غیر متمرکز ساخت.

نظام فدرالی پارلمانتاریستی (صدارتی، جمهوری)، دموکراسی، شهروند محور، رفاه، سیاست بیطرفانه، احترام به حقوق بشر و قرارداد های بین المللی، منطقی ترین راه رسیدن کشور بیک صلح عادلانه، پایدار و سرتاسری میباشد.

شرکت کنندگان و ارگان های برگزار کننده کنفرانس، مراتب نگرانی و خواست های برحق شان را به گردانندگان مذاکرات چنین پیشنهاد می کنند و تقاضا مینمایند تا در تصمیم گیری نهایی این مذاکرات در رابطه با تغییر نظام سیاسی کشور از متمرکز به غیر متمرکز در نظر گرفته شود:

1. افغانستان در ساختار کنونی خویش یک کشور کثیرالملیه متشکل از اقلیت های اتنیک بزرگ (پشتون، تاجیک، هزاره و ازبیک) و جمع کثیری از اقلیت قومی کوچک: تورکمن بلوچ، نورستانی، ایماق، پشه ای، قرغیز، قزاق، تاتار، قزلباش، هندو، سیکهه، عرب، روشانی، شغنی، گجر و غیره میباشد، که هیچ یکی از این ملیتها دارای اکثریت بالاتر از پنجاه فیصد نفوس کشور را بخود اختصاص داده نمیتوانند.

2. طی دوصد و پنجاه سال اخیر تمام اقوام و ملیتهای ساکن افغانستان از محکومیت در زندان نظام های قبیلوی_خاندانی متمرکز رنج برده، محکوم به تحمل ستم ملی و ستم قبیلوی سازمان یافته در موجودیت نابرابری های مزمَن اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی در حیات جمعی خویش گردیده اند.

3. حل عادلانه و دموکراتیک مسأله ملی که نظام سیاسی و یا ساختار حاکمیت جز عمده و اساسی آن را تشکیل می دهد یکی از نیاز های مبرم حل تضاد های قومی بحران زا با هدف تأمین یک فضای زندگی عادلانه شهروند محور و عاری از همه اشکال تبعیض، تعصب و برتری جویی ها بحساب میرود.

4. راه رسیدن به حل عادلانه و دموکراتیک مسأله ملی را هیچگاهی نظام های تمرکز گرای (شاهی، جمهوری و امارتی) با داشتن ماهیت تمامیت طلبانه در کشور فراهم ساخته نمیتوانند. یگانه راه حل دموکراتیک مسأله ملی در کشور های کثیر الملله همچون افغانستان رفتن به طرف تمرکز زدایی و فدرالیسم در محدوده قانونی یک کشور واحد دارای نظام فدرالی با در نظر داشت شرایط خاص کشور است.

حقوقیت طرح فدرالیسم در سطح جهان امروز موفق ترین تجربه حل مسأله ملی در کشور کثیر الملله بشمار میرود، که کشور ما نیز از آن مستثنی شده نمیتواند.

5. باشندگان افغانستان از بدو تأسیس آن تا امروز همواره شاهد براندازی حاکمیت ها با امحای همه دست آوردهای مرتبط به دوران زمامداری حکام قبلی بوده، بگونه سنتی از گسست های ویرانگر ناشی از براندازی ها در زندگی خویش رنج برده اند.

فدراسیون فدرالیست های افغانستان واحد با الهام از تجارب تلخ گذشته به هیچ وجهی طرفدار براندازی و ویرانگر نبوده، اعتقاد بدان دارند که تغییر نظام از متمرکز به فدرالی را نه از مجرای نابود سازی ارزشهای قانونی موجود در قانون اساسی نظام فعلی بلکه از مجرای آوردن اصلاحات در قانون اساسی در نظر گرفته خواهان حفظ مواد مفید و دموکراتیک قانون اساسی فعلی چون حقوق شهروندی و حقوق انسانی در قانون اساسی نظام آینده کشور میباشد.

6. فدراسیون فدرالیست های افغانستان واحد با دفاع از حقوق انسانی زنان، جداً به در نظر داشت حق برابری زنان افغانستان بمثابة نیمی از پیکر جامعه در همه امور اجتماع و دولت معتقد بوده، تبعیض و نادیده انگاشتن جایگاه انسانی زنان را که در طول تاریخ اینکشور همواره در معرض محکومیت قرار داشته اند محکوم مینماید.

از جوانب بر پاککننده مذاکرات صلح در دوحه، استانبول و هر جای دیگر جهان خواهان عطف توجه جدی به سهم گیری قابل توجه زنان در همه مراحل مذاکرات میباشد.

7. اشتراک کنندگان این کنفرانس بدین باور اند که طالبان جایگاه قانونی و دموکراتیک خود را صرف در یک نظام غیر متمرکز فدرال با اتکا به اراده دموکراتیک مردم بدست آورده می توانند نه از طریق زور و تفنگ! زیرا نظام فدرال همانگونه که امر تحقق حق برابری اقوام و ملیتها، زنان و مردان و غیره را فراهم میسازد، برای طالبان نیز از مجرای دموکراتیک حق قابل میگردد، در آن مناطق کشور که اکثریت دموکراتیک در انتخابات به نفع آنان باشد، قوانین داخلی آن مناطق را در مطابقت با قوانین فدرالیسم با معیار های اعتقادات سیاسی خویش تنظیم بدارند.

8. ساختار غیر متمرکز فدرال می تواند به نابرابری های قومی، جنسیتی، مذهبی و غیره پایان بخشیده، گروه های مسلح مخالف را در یک نظام قانونمند مدغم و فضای سرتاسری کشور را در زیر چتر یک نظام دموکراتیک فدرال پارلمانتریستی به مشارکت واقعی مردم در امور سیاسی، امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زمینه ساز گردد.



9. دموکراسی (مردم سالاری) بحیث شیوه مدیریت در امر تحقق برنامه های سیاسی و اجتماعی دولت زمینه را برای ایجاد فضای صلح و آرامش و آشتی ملی مساعد میسازد؛ ارگان های عالی حاکمیت دولتی در مرکز و محلات و ارگان های خودگردانی محلی باید براساس مشارکت شهروندان در یک انتخابات آزاد، دموکراتیک همگانی ساخته شده و دارای صلاحیت های گسترده تصمیم گیری نهایی در دو سطح مناطق و مرکز را جهت عرضه خدمات سرتاسری بگونه قانونی تنظیم و رهبری نماید.
10. حاکمیت نامتمرکز که انتقال صلاحیت های وسیع حکومت مرکزی را به ولایات و تفویض صلاحیت ها را به مب مناطق خودگردان شهروندی و محلی در بر میگیرد، زمینه را برای مشارکت مردم در امر تصمیم گیری های سیاسی در محل و همچنان برآورده شدن خواست های قومی، مذهبی، و منطقه ای آنها مساعد میسازد.
11. ما می خواهیم که طرح، مبنی بر، ساختار قدرت سیاسی غیر متمرکز فدرال مورد غور و بررسی جدی قرار گرفته و منحنی موثرترین گزینه نجات افغانستان از بحران در مراحل پسا اداره عبوری اجرائی و عملی گردد.
12. نماینده گی واقعی مردم افغانستان در مذاکرات در وجود دو طرف (جمهوری اسلامی افغانستان و زیر مجموعه های آن و جنبش طالبان) تمثیل شده نمی تواند؛ چونکه جایگاه نیرو های دگر اندیش و غیروابسته به دولت و طالبان خالی است.
13. از فرصت موجود در شکل دهی حکومت (مؤقت، عبوری صلح و اعضای آن) باید با دقت جدی استفاده صورت گیرد. جامعه جهانی به ویژه امریکا نباید از شتاب و تحمیل کار گیرد. زیرا هرگونه شتاب و تحمیل زمینه ساز آغاز مرحله نو از جنگ های داخلی در افغانستان و تشدید مداخلات همسایه ها و فراهمسایه های افغانستان خواهد بود. پیامد آن به جز تباهی، ویرانی، بی ثباتی افغانستان و درگیری های منطقه ای و فرا منطقه چیز دیگری نخواهد شد.
14. ما در رابطه با جلوگیری از تکرار اشتباهات جلسه بن توجه جدی در مذاکرات صلح را خواهیم که حقوق و آرمان های اکثریت مردم افغانستان باز هم مثل جلسه بن قربانی تقسیم میکانیکی قدرت بین نخبگان قومی در یک نظام متمرکز گردیده حل قطعی و ارگانیک تضاد های ملی در جامعه نا دیده گرفته شود.
15. با تجربه ای که مردم افغانستان از سیستم بسیار عقب گرای و در بند کشنده امارتی دارند طبعاً این نظام در جامعه افغانستان جای پذیرش ندارد. اما در صورتیکه طالبان تفنگ را بر زمین گذاشته از طریق انتخابات آزاد حق رهبری جامعه را در سرتاسر کشور ویا در یک بخش از آن کمایی نموده بتوانند، درآنصورت حق تعیین نظام را بدخواه خود و پیروان خویش در هر منطقه که حایز اکثریت باشند مطابق به احکام قوانین کشوری فدرال بدست خواهند آورد.
16. آزادی احزاب سیاسی، زمینه را برای کثرتگرایی سیاسی در جامعه فراهم و فضای رقابت سازنده دموکراتیک بین گروه های مختلف سیاسی را برای احراز نماینده گی مردم در ارگان های حاکمیت دولتی مساعد میسازد.
17. آزادی بیان، آزادی تجمعات اعتراضی، آزادی رسانه ها، حقوق و برابری های زنان، برخورداری از حق تعلیم و تحصیل، برخورداری از رفاه اجتماعی، سیستم چند حزبی، اپوزیسیون سیاسی، انتخابات آزاد، پارلمانتاریزم، حق ایجاد سازمانهای اجتماعی مستقل از دولت - ضرورت های اساسی یک نظام دموکراتیک کثرت گرای سیاسی محسوب میگردد.
18. باشندگان افغانستان کثیرالملة امروزی با داشتن مناسبات همدیگر پذیرانه انتبکی و مدارای مذهبی در برابر پیروان مذاهب مختلف در تاریخ، افتخارات مشترکی را به ارث برده اند که میتوان آنها را بهترین الگوی ایجاد مناسبات عادلانه و همدیگر پذیرانه شهروند محور برای شکل دهی ملت شهروندی غیرناسیونالیستی در چوکات یک ساختار دولتی آگاهانه و همدیگر پذیرانه (ملت- دولت) با عبور از تلاشهای ناکام ملت سازی گذشته بر پایه ناسیونالیزم های سلطه جو در وجود (دولت - ملت) های گذشته مورد استفاده متمدنانه و انسانی در ایجاد یک دولت فدرال پارلمانتریستی در وجود یک ملت شهروند محور سرتاسری قرار داد.

مراتب فوق به عنوان فشرده ای خواست اشتراک کنندگان و اگرگانهای برگزا کننده کنفرانس پیشنهاد شد، انتظار می رود در مذاکرات در نظر گرفته شود

با تقدیم احترامات

